



احمد شاه مسعود خطاب به قوماندانان خود در وزارت دفاع:

## اگر «طالبان» بخواهند وارد کابل شوند، باید در بدل هر گام یک کشته بگذارند

\* جنگ بر علیه «طالبان» تا آخرین مرمی ادامه خواهد یافت.  
\* برای کوییدن روحیه، نظامی «طالبان»، باید مراکز تجمع آنها با تمام امکانات کوییده شوند.  
\* اگر پاکستان دست از مداخله بردارد، هند فشار خود را از طریق کشمیر افزایش خواهد داد.  
\* ایران نیز مصمم است که در صورت وخیم شدن اوضاع، برای پاکستان مشکل خلق کند. (ص ۴)

یکی از شهروندان کابل در مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو»:

## جنگ و گرسنگی، دو پنجه، مرگ برای مردم کابل اند

\* تنها مواد سوختی کابل، بمب و راکت طرفین جنگ است.  
\* در جنگ های کنونی آنچه که در ذهن هیچکس نیست، سرنوشت مردم است.  
\* مرگ انسان در کابل، برای هیچکس وحشت نمی آفریند.  
\* آیا سقوط کابل، برای ما نوید زنده ماندن در زمستان را خواهد داد؟ (ص ۴)

در اثر حمله تفنگداران ناشناس

## دکتورس ناهید عظمت در کمپ جلوزی به قتل رسید

\* وی در کمپ مذکور، کلینیک نسائی - ولادی داشت.  
\* یکی از همکاران وی نیز در این حمله از بین رفته است.  
\* منابع آگاه، این حمله را به افراد متعصب اتحاد سیاف نسبت میدهند.

طرف تفنگداران اتحاد سیاف متهم به ارتباط با حزب وحدت گردیده و مجبور به انتقال فامیلش از کمپ جلوزی به پشاور شده بود. این منابع قتل دکتورس ناهید را به همین تفنگداران نسبت داده معتقد اند که طی هفته های اخیر موجی از نا امنی، ترور، اختطاف و دزدی در کمپ جلوزی توسط آنها رهبری میشود.

دکتورس عظمت ناهید که یکی از دکتوران با تجربه، افغانی در بخش نسائی - ولادی بوده و در کمپ جلوزی که مربوط اتحاد سیاف میباشد، کلینیک داشت، روز دوشنبه ۱۳۷۴/۹/۲۰ در کلینیک خود هدف حمله تفنگداران ناشناس قرار گرفته و به قتل رسید. در جریان این حمله یکی از همکاران وی نیز به شدت مجروح شد که بعداً در شفاخانه جان داد. خبرنگار «صفحه نو» به نقل از منابع خبری در پشاور ضمن اعلام خبر فوق می افزاید: شوهر دکتورس ناهید که یک نفر شیعه میباشد، قبلاً از

## په کابل کی دسځو داسلامی حجاب په سر دجمعیت او اتحاد دمسؤولینو اختلافات را برسیره شوی دی (ص ۲)

### پایتخت نشینان چرا موضوع انفعالی دارند؟

تجربید سیاسی و اجتماعی در درون یک ملت، یگانه دست آورد جنگ های عظمت طلبی «شورای نظار» برای هوا خواهانش در افغانستان خواهد بود؛ و چرا قبل از همه چیز، مردمان کابل نقش تاریخی خویش را برای تجربید کردن سیاسی و اجتماعی «شورای نظار» بازی نکنند؟ (ص ۳)

در جلسه سران تشیع درباری

## تلاشهای ایران در نزدیکی با حزب وحدت اسلامی نگران کننده ارزیابی شد

\* هیأتی برای آگاهی از نظریات جمهوری اسلامی، به سفارت آن کشور در کابل فرستاده شد.  
\* ایران صرفاً میخواهد از هماهنگی جبهه، مخالفین دولت کابل جلوگیری کند. (ص ۴)

## از «وفا»، توقع وفا را داریم (ص ۲)

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

اصل اجتناب نا پذیر

## عدالت سیاسی

\* عدالت سیاسی، ضرورت غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر برای سعادت یک ملت است.

بازده تشدید جنگ های اجتماعی، ازدیاد نفرت و عقده های اجتماعی است. هر سنگری که «فتح» میشود و هر پیشروی بی که به عمل می آید، صرف به قیمت خون جوانانی به دست می آید که همه فرزندان یک سرزمین و یک هویت ملی و سیاسی اند. روشن است که پاکداشتن بر سنگر خونین جوان برومند یک جامعه دیگر، آنهم برای جنگ انحصار قدرت سیاسی، جز آنکه خصومت و شکاف اجتماعی را عمیق تر کند، دیگر دست آوردی نخواهد داشت. این امر نیز روشن است که هیچ حاکمیتی نمیتواند تا به ابد سلاح به دستان کینه توز خویش را در کوچه های شهر نگهدارد؛ چون حاکمیت ملی و مرکزیت واحد رهبری سیاسی ملت، اصل انکار ناپذیر است که هیچ قدرتی نمیتواند جلو تشکیل آن را بگیرد.

جنگ های اجتماعی جز عقده گشایی های انتقامجویانه، مسیر دیگری ندارند. از همینجاست که نقش های مثبت و منفی حاکمیت سیاسی نیز درک میگردد. انحصار حاکمیت سیاسی و تبدیل کردن حاکمیت به مشابه، مرکز دشمنی آشتی ناپذیر با دیگر اقشار ملت، آن پهلوی متضاد با نقش دیگر حاکمیت است که یگانه مرکز وحدت سیاسی و وحدت اجتماعی اقشار ملت تلقی میگردد. اگر حاکمیت انحصاری در فردای خویش جنگ «هزاره و پشتون» و «ازبک و پشتون» را سازماندهی کرد، حاکمیت ملی و غیر انحصاری در فردای خویش برادری این جوامع را به وجود خواهد آورد.

ملتی میتواند به پا ایستاده شود و شخصیت ملی و بین المللی خویش را باز یابد که مالک مرکزیت عادلانه سیاسی باشد؛ چون همین مرکزیت عادلانه است که بدون تبعیض، جوانان ملت واحد را برای رستاخیز ملی و اجتماعی آن به خدمت میگمارد و دیگر مغز و بازوی جوانان جوامع به خدمت کشف و تطبیق شیوه های کشتار هرچه بیرحمانه تر قرار نخواهد داشت؛ و دیگر موجودیت هر جامعه نوید قدرت و استعداد های برومند یک ملت خواهد بود. روی همین اصل است که عدالت سیاسی، ضرورت غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر برای سعادت یک ملت است.

(صفحه نو)

## اعلامیه کانون فرهنگی رهبر شهید و شورای نویسندگان «امروز ما»

کانون فرهنگی رهبر شهید با همکاری شورای نویسندگان «امروز ما» به مناسبت اولین سالگرد شهادت پیشوای شهید مردم، «عبدالعلی مزاری»، ویژه نامه بی را به نشر میرساند. از عموم خواهران و برادران صمیمانه تقاضا به عمل می آید که اشعار، مقالات، خاطرات، طرح های ادبی - هنری، عکس و... خویش را به آدرس کانون فرهنگی رهبر شهید ویا اداره «امروز ما» بفرستند.  
آدرس کانون فرهنگی:

I/9 - P.O. Box: 117  
Islamabad - Pakistan

# از «وفا»، توقع وفا را داریم

وقتی از طریق اتحادیه نویسنده گان، خبری پخش میشود که به حیثیت ملی، هويت سياسي و اجتماعي و شخصيت مبارزه يك جامعه براي عدالت سياسي و اجتماعي حمله ميکند، هرگونه تردیدی را برای غير جانبدارانه بودن فعاليتهاي اتحاديه گوشزد ميکند.

«وفا» هفته نامه اتحادیه نویسنده گان افغانستان آزاد، در شماره ۴۴ خویش این خبر را از قول فرزند جناب صبغت الله مجددی به نشر رسانیده است که گویا یکی از عوامل انفکاک ایشان از ریاست شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی، اینست که: «کریم خلیلی چی د حزب وحدت مشردی، خو ورخی دمخه ایران ته تللی و هلته یی، خبری اتری کړی دی.»

عدم صداقت در پخش این خبر، آنقدر تکان دهنده است که ما نمیدانیم در پخش آن جناب شاه آغا مجددی را مسؤول بدانیم یا برادران اتحادیه نویسنده گان افغانستان آزاد را که سخت به شخصیت فرهنگی شان در جامعه احترام قایلیم. دوستان ما میدانند که با پخش این خبر کاملاً دروغ، ما را در حالتی قرار داده اند که در هر حالت، سبلی به رخ خود نما میخورد؛ چون دوستان ما واقفند که حزب وحدت اسلامی، بنابر موضعگیری ملی خویش بوده است که در برابر خصومت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و ایجاد فراکسیون اکبری در درون حزب وحدت اسلامی، بزرگترین مانور سیاسی ایران برای شکست مقاومت غرب کابل به نفع شکست بن بست سیاست مذهبی و نژادی این کشور، در افغانستان بود. دوستان ما به مثابه شخصیت‌های مستقل و آگاه ملت افغانستان به خوبی واقفند که جامعه هزاره در چند بعدش با سیاست نژادی و تبعیضی قربانی شده است و اینهمه سیاست‌های خصمانه یا بر محور خصومت کاملاً آگاهانه و ستراتیژیک قرار داشته و یا شایعات سازی بر علیه جامعه هزاره برای واغود کردن وابسته گی برده وار آن به «جمهوری اسلامی ایران»، باعث موضعگیری غیر واقعیت‌ناهنانه دیگران شده است که با تأسف بدتر از سیاست‌های ستراتیژیک نژادی و تبعیضی دشمنان این جامعه، وارد عقده گشایی با خونریزی ناجوانمردانه در جامعه هزاره شده اند.

زمینه همچون ذهنیت سازی، مذهب مشترک هزاره های شیعه (نه سنی و اسماعیلی) با ملت شیعه ایران است که این امر، باعث بهره برداری های سیاسی خیلی ها و خصمانه دولت ایران در برابر جامعه ماشده است. ما واقفیم که وابسته گی به کشور های بیگانه برای تمویل جنگ داخلی، واقعیت انکار ناپذیر و فاجعه یار برای ملت افغانستان و وحدت سیاسی و وحدت ملی آن بوده است و تا هریک از احزاب موجوده کشور، اولویت هويت و شخصیت ملی خویش را درک نکنند، فاجعه کتونی تا ابعاد وحشتناکتر خویش گسترش خواهد یافت. نکته تکان دهنده برای ما اینست که چرا دوستان به عوض اینکه موقف فعلی مردم ما را در جهت صداقت به منافع ملی کشور تقویت نمایند و حد اقل با پشتوانه فرهنگی خویش ما را تقویت نمایند که در جامعه تنها نیستیم و اگر احیاناً فردا قربانی سیاست‌های بیگانه گان

شدیم، حد اقل این امیدواری برآیمان وجود داشته باشد، که کسانی هستند که از موضعگیری کتونی مایاد خواهند کرد؛ بر عکس، با تمام صراحت و موضعگیری صادقانه در برابر هويت ملی و اجتماعي خویش، بازم مواجه به شایعاتی می‌شویم که حتی کوچکترین دلیل برای توجیه آن نمی یابیم. دوستان ما واقفند که برای اشتی دادن جامعه هزاره با حاکمیت انحصاری کابل، اولاً فتوای مذهبی ایران پخش گردید که گویا جنگ جرم است و بعداً آقای ابراهیمی نماینده خاص آقای خامنه ای برای تطبیق این فتوا داخل افغانستان شده و چون با هلیکوپتر نظامی حاکمیت فاشیستی کابل وارد هزاره جات گردیده بودند، استاد خلیلی حاضر نشدند که با موصوف دیدار نمایند و هیأت از پنجاب دوباره جواب داده شد. این موضعگیری ها، پدیده های سیاسی و مذهبی سطحی نبوده که دوستان ما در تفسیرات سیاسی خویش بدون درنگ از آن بگذرند. اگر احترام به هويت ملی و اگر باور به عدالت سیاسی در اندیشه ما مطرح نمیبود، نا ممکن بود که موضعگیری سیاسی ما، تا این سرحد حالت خشن به خود گیرد. شما خود قضاوت کنید که وقتی محور تمام تلاشهای جمهوری اسلامی ایران را صلح با دولت کابل و فراکسیون شیعی هم نژاد آن، تشکیل میدهد، چگونه امکان امید واری جامعه هزاره به حسن نیت صادقانه جمهوری اسلامی ایران باقی میماند که بعداً استاد خلیلی، عقب جبهه جنگ با فاشیسم کابل را در بدترین حالت جنگی ترک گویند و عازم ایران شوند! دوستان ما در جریان حوادث نظامی سه هفته پیش قرار دارند که بعد از جنگ بیشتر از هشت ماه با فراکسیون شیعی مورد حمایت ایران و فاشیسم کابل، نیروهای نظامی ما موفق به عقب راندن نیروهای فاشیستی تا کتارخاک گردیدند. در آتم زمانی که نیروهای فاشیستی بامیان را نیز در تصرف خویش داشتند و هر روز شدت حملات راکتی و بیارد هوایی بر مردم و جبهات ما ادامه داشت، استاد خلیلی، حتی برای کاهش فشار های نظامی، حاضر به مذاکره با نماینده خاص رهبر مذهبی ایران نشدند، حالا چگونه ممکن است که بعد از پیروزی کامل بر جبهات فاشیستی، ایشان به ایران سفر کنند؟! برای اینکه حد اقل تصویری از حالت نظامی و ضعف نیروهای ما در هشت ماه جنگ تحمیلی داشته باشید، حداقل همین قدر در ذهن داشته باشید که ما بعد از شکست سنگین نظامی در غرب کابل، مواجه با جنگهای فاشیسم کابل و شیعه های هم نژاد آن در بامیان شدیم؛ یعنی نابودی ما در غرب کابل، صرفاً آغاز استراتژی نابودی سیاست ملی و عدالت خواهی حزب ما در افغانستان بود که با تأسف، نمیدانیم چرا دوستان نمیتوانند حد اقل اینهمه خصومت خارجی و داخلی در برابر جامعه برادران هزاره خویش را درک کنند (ص ۳)

## په کابل کی دینگو داسلامی حجاب په سر دجمعیت او اتحاد د

### مسؤولینو اختلافات را بر سیره شوی دی

دهغی ورغی نه چی مجاهدین کابل ته را نترتی دی او په هغه اوله ورغ په خپلو منغونو کی په جنگونو بوخت شوی دی، دینگو دپاره داسلامی حجاب مسئلی پکینی ان تردی پوری شدت پیدا کړی چی شینو بنسټ پالو خو دقول نه عمل ته وړانگل او دکابل په ښارکبکی ځینی ښځی په معمولی خلاف رفتارو سره په فزیکي توگه تهدید کړی شوی. په تیرو دری نیموکالو کبکی چی جنگونه او مرگ ژوبله په کوم درز کی روانه ده، بیا هم دینگو دپاره دحجاب مسئله نی د سلوکی اتیا دپخوا په نسبت داسلامی حجاب مراعات شوی دی. په دغه موده کی بیلابیلو اسلامی اختصاصی ادارولو خوا دینگو دپاره داسلامی حجاب د استعمالولو موولونه جوړ شول؛ په تلویزیون رادیو او اخبارونو کی اعلان کړی شول او ان تردی پوری چی یو وخت د اساسی اصولو د جوړولو دکمیټی د بحث دټولو نه اهمه موضوع هیدغه وه.

افغانی ښځی چی داسلامی اساساتو په بنا داسلامی حجاب د مراعاتولو سره موافقی دی او هیڅکله نی هم ددی شرعی اصل او ارشاد سره مخالفت نه دی کړی، زیات شکایت ددینه کوری چی په دی لی کی دزیات اقراط نه کار اخیستل کبیری او جهادی مسؤولینو د خپلو اعمالو داصلاح په عوض د ښځو حجاب دورغی مضمون په حیث ټاکلی دی. اوس اوس دکابل نه داسی رپوتونه رارسیدلی دی چی د ښځو داسلامی حجاب په سر دجمعیت اسلامی او اتحاداسلامی دمسؤولینو له خوا یو لړناندیری او شخړی راپیداشوی دی. اتحاد اسلامی دښځو داسلامی حجاب دپاره یو داسی موول جوړ کړی دی چی د پخوانیو موولونو شخه زیات اقراطی دی او دافغانی ښځو دستخت عکس العمل سره مخامخ شوی دی. په دی موول کی باید برسیره پر دی چی ټول وجود نی پټی وی دسترگو پټولو دپاره هم باید عینکی استعمال کړی او په لاسونوکی دستکشی واچوی. دغه موولونه چی داتحاد اسلامی مؤظفینو له خوا د رادیو تلویزیون او نورو فرهنگي موسسو کی په میتینگونو او ټولنو کی توضیح او تشریح شوی دی دښځو د عمومی نارضایتی سبب گرځیدلی دی او د دغسی حجاب سره نی شدید مخالفت ښودلی دی. په اطلاعاتو کی ویلی شوی دی چی د مسئلی د بحرانی کیدو د مخنیوی دپاره د

## تشیع درباری،

# از حیثیات مذهبی تا برداشته گی سیاسی

(قسمت یازدهم) (۲۳ سنبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ)

تظاهرات عمومی مردم در غرب کابل، تمامی باورهای تشیع درباری و حامیان نژادگرای آن را تحت تأثیر خود در آورد. در این تظاهرات، مردم حمایت قاطع خویش را از رهبر شهید اعلام نموده و به شورای مرکزی و شورای عالی نظارت هوشدار دادند که در انتخاب رهبری، باید بر معیار خواست و آرمان مردم عمل کنند و از انتخاب کسی که آشکارا بر علیه مردم دست به توطئه و معامله میزند، خود داری نمایند؛ در غیر آن هیچگونه تصویب و تصمیمی از سوی این شورا ها مورد پذیرش و حمایت مردم قرار نخواهد گرفت و صرفاً به عنوان توافقنامه بدون محتوا و فاقد ارزش اجرایی باقی خواهد ماند.

این تظاهرات، در واقع اعلام انزجار از توطئه هایی بود که در سطح شورای مرکزی و بنا به دستور حاکمیت فاشیستی بر علیه راه و آرمان مردم جریان داشت و برای پیروزی آن، در قدم اول پنجصد میلیون افغانی سرمایه گذاری شده بود تا برای هر نفری که به نفع شان رأی میدهد، شصت لک افغانی و یک عراد... تر... کر... نا بدهند! (۱) پافشاری مردم در تظاهرات، ناشی از شناخت عمیق شان از چهره های تشیع درباری بود که از روز اول ورود به غرب کابل، با مقاومت عدالتخواهانه مردم خصومت ورزیده و برای آنکه عمق کینه شان را در برابر خواست و اراده مردم را به نمایش بگذارند، در فردای رسیدن خویش به کابل - که آنهم با اسکورت هیلی کوپتر های جنگی شورای نظار همراه بود- به قصر ریاست جمهوری برای دسبوسی ولی نعمت خویش شتافتند تا جنایت هایش را در افشار و چنادرول و غرب کابل شاد باش گویند!

تظاهرات آرام مردم در روز چهارم خود، به خشونت کشانده شد و نیروهای وابسته به تشیع درباری، سینه های مردم را هدف گلوله خویش قرار دادند. رهبر شهید در حادثه روز جمعه ۶ جوزای ۱۳۷۶، رقابت درونی سران تشیع درباری را دخیل دانسته، طی مصاحبه خویش با رادیو تلویزیون پیام آزادی، اصل ماجرا را اینگونه شرح دادند:

«چند روز اول تظاهرات آرام بود؛ مردم می آمدند و خواسته های شان را مطرح کرده بر می گشتند؛ اما عمال آقای فاضل - که بعد ثابت شد- آن را به خشونت نزدیک ساختند؛ بالای خانه آقای بهشتی حمله کردند و قصد شان هم این بود که آقای بهشتی را به قتل برسانند و بعد آقای فاضل روضه او را بخواند که این مسأله با هوشیاری اطرافیان و محافظان آقای بهشتی خنثی شد و آنها به تحرکات شان اعتنا نکرده و فریب نخوردند. بعد بالای خانه آقای اکبری رفتند و در آنجا هم شما شاهد بودید که بالای زنها فیر کردند و دو زن کشته شد. شما می دانید که در آن جریان، تظاهر کننده گان سلاح نداشتند که حمله کنند؛ آنها که فیر کردند و زنها کشته شدند، مسأله وخیم شد و آن وقت بعضی نظامی ها از اینجا و آنجا آمدند و زد و خورد شد و در جریان آن دو نفر از آقای اکبری کشته شد؛ و بعد این یک مسأله کاملاً حساب شده بود که آنها راه انداخته بودند تا از طریق خراب ساختن وضع بهره برداری کنند.» (۲)

بعد از تظاهرات و مایوس شدن تشیع درباری و حامیان نژادگرای آن، مرحله دوم برنامه های آنان روی دست گرفته شد که در محور حذف نظامی هسته های مقاومت در غرب کابل می چرخید. پلان اصلی این کار را آقای اکبری در سند پروژه آزادی پیش بینی کرده و فهم نیز پس از صحبت ها و توافقاتش باسید مصطفی کاظمی و سید انوری، اداره یازدهم خاد را برای پیشبرد آن توظیف نموده بود. (۳) به دنبال این فعالیت اپراتیفی فهمیم، به تاریخ ۱۳۷۳/۲/۶ توافقنامه یی در چهارده ماده میان احمدشاه مسعود، احمدشاه احمدزی و سیدکاظمی به امضاء رسیده بود که در آن هماهنگی های سیاسی و نظامی تشیع درباری با اتحاد سیاف و شورای نظار مورد تأیید قرار گرفته و در مورد ترور رهبر شهید و یارانش با شفر مخصوص «صفر یک» تصمیم گرفته شده بود؛ در ماده های دیگر این توافقنامه دستور کوبیدن نیروهای شورای هماهنگی در ساحه وحدت و خلع سلاح افراد مخالف با حاکمیت فاشیستی نیز صادر شده بود. (۴)

جنگ میان حرکت اسلامی و حزب اسلامی نیز توطئه یی بود که توسط دستگاه امنیت فاشیستی طرحریزی شده بود. در نامه یی که احمدشاه مسعود در جریان جنگ برای فهمیم می فرستد، ضمن تقدیر از فعالیت هایش دستور میدهد که «همزمان، فعلاً به شدت ادارات امنیت ملی را وظیفه بدهید که بتوانند جنگ حرکت اسلامی را با حزب اسلامی توسط تبلیغات ملیتی فی مابین هزاره ها و پشتون ها دامنه وسیع بدهد تا تأثیراتش بالای ساحات مرکزی و ساحات سمت شمال به مثابه سنی و شیعه یا هزاره و پشتون توسعه یابد که بهترین ضربه یی به خاطر پاشیدن شورای هماهنگی و مصروفیت کافی در عرصه جبهات بعد خواهد بود» (۵)

در روز هایی که جنگ حزب اسلامی و حرکت اسلامی به شدت جریان داشت، فهمیم برای «کمیسین مشترک پاسداران و شورای نظار» و مشخصاً سید کاظمی دستور میدهد که «طبق هدایت محترم وزیر صاحب دفاع دولت اسلامی و آقای اکبری صاحب، پاسداران باید عاجلاً در وقت ضرورت نیروهای ریزرف دولت اسلامی به قوماندان برادر شیخ ناظر صاحب در ساحه جنگ به کمک قوماندان قمبر در تپه سگارت (اسکاد) و خط های جنگی ارسال گردد تا نیروهای برادر قمبر بامورال رزمی بتوانند جلو نیروهای حزب اسلامی را بگیرد و همزمان به اساس وعده قبلی جنگ سرد و تبلیغات علیه استاد مزاری به خاطر از بین بردن ملیت هزاره توسعه یابد. در صورت امکان عملیات های صفر یک، به گروپهای مشخصه که از هر دو طرف معرفی شده است، وظیفه داده شود.» (۶)

رهبر شهید طی مصاحبه با پیام آزادی، در مورد نقش مشترک حاکمیت فاشیستی و تشیع درباری در جنگ دارالامان اظهار داشتند: «در جنگی که بین حزب اسلامی و حرکت اسلامی در دارالامان پیش آمد، تعدادی از نظامیانی که طرفدار آقای اکبری بودند، در جنگ شرکت کردند و قصر دارالامان را از دست حزب اسلامی بیرون نمودند و بعدهم از طریق رادیو اعلان کردند که در اینجا نیروهای دولتی موفق شده اند...» (۷)

(ادامه دارد)

(۱) خبر نامه وحدت، شماره ۱۷۳/۹/۷، ۶۴، همان، ص ۷ و ۸  
(۲) همان، شماره ۵۸۱، اقصای توطئه خانیانه اخیر به روایت استاد، ص ۸  
(۳) همان، شماره ۱۱، همان، شماره ۵۸۴، ص ۱۱ (۶) همان، شماره ۵۸۲، ص ۱۰

# پایتخت نشینان چرا موضوعاً انفجاری اند؟

شورا های محلی مقاومت، اگر هیچکاری نتوانند، اینکار را کرده میتوانند که «شورای نظار» را متوجه بی ریشه گی اجتماعی آن سازند. این امر بزرگترین و اساسی ترین وسیله ایست که حاکمیت میان تهنی يك مشت مسلح را واداره ختم بحران مینماید، در غیر اینصورت، بحران تشدید شده و شکست حتمی نظامی «شورای نظار» با فاجعه خونین اجتماعی بی همگام خواهد بود که هیچکسی مقصر آن قلمداد نخواهد شد.

بیشتر از سه سال است که کابل مرکز تصادمهای اجتماعی خونین برای حفظ انحصار قدرت سیاسی بوده است که در عقب این یک تازی قدرت، مفکوره های خود بزرگ بینی اجتماعی، خطرناکترین اصل تیوریگی برای جنگ انحصاری تلقی میگردد. کابل به عنوان پایتخت يك ملت، شاهد حضور فزینی هر ملیت است. روشن است که پایتخت يك کشور، همانطور که سمبول وحدت سیاسی يك ملت است، سمبول وحدت اجتماعی آن ملت نیز محسوب میشود.

پایتخت ها، سمبول انکشاف مدنی کشور هاست. مدنیت یا شهر نشینی، معیار رشد تمدن بوده است. هیچ تمدنی بدون فرهنگ خویش وجود نداشته است. روی همین اصل است که پایتخت نه تنها مرکزیت سیاسی يك ملت، بلکه حضور فرهنگی فعال باشندگان با رابطه متقابل با مدنیت شهر ها نیز است. ملاک سطح شعور اجتماعی يك جامعه، رابطه آن با مدنیت است. تفکر بسته، يك روستایی تا تفکر باز يك شهری فرق دارد. وقتی همین تناسب سطح شعور اجتماعی را برای شهر ها نیز قابل شوم، مشاهده میگردد که شهر های عقب مانده تفکرش نسبت به شهر های پیشرفته بسته تر است؛ چون سطح رشد مدنیت، موازی با سطح رشد فرهنگ بوده که این حالت در همه جا انسان خاص خویش را با تفکر خاص آن به وجود می آورد.

پایتخت به مثابه مرکزیت سیاسی، مرکز فعال افکار سیاسی يك ملت نیز تلقی میگردد. به همین علت است که پایتخت اکثر (یا تقریباً همیشه)، مرکز رشد جنبش هایی بوده است که باعث سازماندهی ایجاد اشکال جدید نظامهای سیاسی شده اند. انفجارات اجتماعی و سیاسی بی که بدون پشتوانه، تفکر باز پایتخت ها بوده اند، هیچگاهی نتوانسته اند به هدف خویش نایل شوند. این امر بدان مفهوم است که عصاره تفکر و سیاست يك ملت، میتواند از پایتخت سیاسی آن به دست آید.

در سه سال فاجعه خونبار اجتماعی در کابل، شاهد بوده ایم که کابل و گزارشات از وضعیت اجتماعی آن، مطلقاً منحصر به مناطقی از شهر بوده است که بیشتر مثل مدنیت و مرکزیت دیپلماتیک این شهر بوده اند. تا يك راکت و يك بمب در این مناطق فرود می آید، انعکاس آن در تمام مطبوعات جهان به ملاحظه میرسد. غرب کابل (که آنجا نیز کابل است و شهر است ولی فاقد مراکز دیپلماتیک است) بیش از صد ها بار تحت حملات هوایی و راکتی شدید قرار میگرفت، ولی انعکاس آن در رسانه های خبری اصلاً نبود و اگر بود آنقدر ضعیف بود که گویا آنجا نه کابل است و نه انسانهایی در آنجا زنده گی میکنند که در میان انفجار های متداوم بمب های پنجم کیلویی و راکتهای ارگان و موزایل و تانکهای غول پیکر... به خاکستر و پرزه تبدیل میشوند. به همین ترتیب برای شهادت ۳۸ تن مردمان بی گناه در مرکز شهر، حساسیت بین المللی را ناظر بودیم که تمام مراجع آن را محکوم کردند و قطع حملات نظامی را بر مردم بیگناه و شهر خواستار شدند؛ ولی چند روز بعد از آن «چهار آسیاب» پبارد میشود و یکصدویست نفر بیگناه به شهادت میرسند و تعداد زخمی های آن اصلاً به کسی معلوم نیست؛ که گویا انسان چهار آسیاب و غرب کابل و چهلستون و کارته... تو اصلاً انسان نبود هاندومرگ و تراژیدی نابودی شان، اصلاً نمیتواند کسی را متوجه خود سازد، تا چه رسد که شاهد حساسیت انسانی مجامع بین المللی باشیم. این تفاوت میان انعکاس حساسیت «حقوق بشر» در برابر خیانت به حیات دو جامعه و دو انسان و دو محیط، بیانگر ارزش تمدن و انسان متمدن در ذهن جوامع بین المللی است.

حاکمیت شورای نظار بر مناطق دیپلماتیک شهر، به «دولت اسلامی» مسمی میشود. این شورای سلاح به دستان دره پنجشیر که ادعای نظارت بر سیاست و حیثیت حقوقی و ملی يك ملت را دارد، صرفاً به خاطر گروگان داشتن همین مراکز است که با شهید شدن يك انسان در ماحول آن چهره انسانی به خود میدهد و برای دیگران چهره شادی تصویر میکند. ورنه از خدا میخواهد که انسانهای تحت گروگانگی کشته شوند تا این شورایی که به شرف و حیثیت اجتماعی يك ملت تعرض کرده است، صاحب شخصیت سیاسی شود. با بیرون کشیدن این شورای مسلح و بیسواد از مرکز شهر، شاهد خواهیم بود که «شورای نظار» نه دولت است، بلکه يك گروه آدمکش خواهد بود که دستش به خون جامعه هزاره و پشتون و ازبک ملت افغانستان سرخ است.

با درک از اهمیت تبلیغاتی و ارزش پایتخت نشین ها در ذهن جامعه بین المللی، میتوان به نقش آنها در شکلهای تغییر اوضاع سیاسی نیز پی برد؛ ولی با تأسف که باشندگان آن بخشی از کابل که در با اهمیت ترین

حصه شهر از لحاظ سیاسی زنده گی میکنند، صرفاً به عنوان قربانیان انحصار قدرت سیاسی توسط «شورای نظار» بوده اند. بیشتر این موضوع مطرح میشود که چگونه میتوان با دست خالی در برابر گروههای مسلح جنگید؟ ولی تاریخ سیاسی تمام ملتها این امر را به حافظه دارد که هر مقاومت اول با دستان خالی آغاز شده است و بعداً به شکل مبارزه سازمان یافته عرض وجود کرده است. مقاومت غرب کابل، با وسعت فقر و بی پناهی خود، بهترین مثال برای شکست گروگان گیری «شورای نظار» در شمال کابل است. امکانات نظامی غرب کابل، سنگر های زنده با نان خشک، صرفاً به مقاومت و همکاری مردمی عقب جبهه بود که حساسه عدالت خواهی سیاسی خویش را به تاریخ مبارزات سیاسی ملت افغانستان سپرد. قتل عام افشار و چنداول، عمق کینه و خصومت دشمنان غرب کابل را به اثبات میرساند.

مبارزه برای عدالت سیاسی، هیچگاهی نمیتواند به مفهوم انحصار سیاسی مطرح شود. «شورای نظار» فاقد استراتژی عدالت سیاسی و اجتماعی بود، که صرف جنگ و آشتی ناپذیری و مرگ و انزوی اجتماعی و سیاسی را به دست آورد. با اطمینان میتوان گفت که انزوی سیاسی و اجتماعی حامیان مسعود، هنوز به رشد و تکامل اصلی خود نرسیده است؛ اگر مقاومت این «شورا» ملت ستیز ادامه داشته باشد. شکست محتوم آن، با بزرگترین فاجعه اجتماعی برای مردمش همگام خواهد بود. برای جلوگیری از همین حالت، تشکل جبهه مقاومت در مناطق تحت حاکمیت این شورا امر ضروری و حتی باید پدیده اجتناب ناپذیر باشد. روشن است که همین جبهه مقاومت میتواند به عنوان زیربنای مقاومت بعدی برای عدالت سیاسی نیز تلقی شود. آنچه بزرگترین عامل و انگیزه برای مواجه نشدن شورای نظار در برابر جبهه مقاومت مردمان ساحه حاکمیتش است، همانا دامن زدن جنگ اجتماعی و استفاده از باورهای اجتماعی است که در عقب ایجاد و رشد آنها، کاملاً دست خود شورای نظار پنهان بوده است؛ ولی برای تشکل جبهه مقاومت در برابر شورای نظار، بهترین زمینه هایی وجود دارند که به زود ترین فرصت این جبهه را صاحب پشتوانه سیاسی و اجتماعی جبهات دیگر عدالت سیاسی میسازند. اولین اقدام برای ایجاد جبهه مقاومت شورای نظار را رابطه با جوامعی تشکل میدهد که ضرب خونبار و فاشیستی قتل عام «شورای نظار» بر پیکر این جامعه، هنوز هم تراژیدی اجتماعی را در حافظه ها زنده نگه میدارد. بر همه گان روشن است که تا موجودیت «شورای نظار» در کابل، هیچ جبهه عدالت سیاسی نمیتواند از انزوی اجتماعی مردمان کابل و پیامد های فاجعه انگیز بعدی این انزوی اجتماعی، جلوگیری نماید. برعکس با موجودیت شورای نظار و تشدید جنگها و فتح فلان قریه، کورجک، فایر نمودن بر سینه، هنوز هم صد ها جوان جوامع دیگر، هیچگاهی نمیتواند بدون ایجاد عقده های آشتی ناپذیر به عمل آید. جنگهای سه سال اخیر نشان داده است که «شورای نظار» با حاکمیت خویش بر کابل، بازمه مواجه با شکست بوده است و آن انزوی مطلق اجتماعی و سیاسی در درون ملت افغانستان است. پروسه تشدید این انزوی اجتماعی، صرفاً با جنگهای لجابت آمیز و کینه توزانه به حد نهایی خود میرسد. وقتی فتح محدوده فلان قریه و کوچه، باخون جوانان جوامع دیگر به عمل می آید، مسلم است که پیامد سیاسی و اجتماعی این جنگ جز انزوی اجتماعی و کینه اجتماعی چیز دیگری را برای «شورای نظار» و حامیان آن به وجود نمی آورد.

آنچه را که بدون تردید میتوان بیان داشت، شکست حتمی «شورای نظار» است؛ ولی استراتژی جنگ این شورا متکی بدین بوده است که در جامعه تحت حاکمیت خویش گاه تبلیغ در برابر جامعه هزاره و ازبک نماید و گاه صریحاً علیه جامعه پشتون تبلیغ نماید. اگر این تبلیغات در جامعه مورد نظر «شورای نظار» مؤثر افتد، این جامعه را به خودی خود به دشمن طبیعی هزاره ها، ازبکها و پشتون ها تبدیل خواهد کرد.

جنگ ادامه خواهد داشت و خصومت ها نیز سیر نهایی خویش را خواهند پیمود. با اوج گرفتن خصومت های اجتماعی، یگانه چیزی که قربانی میشود، مفکوره عدالت سیاسی و اجتماعی است. این حالت برای «شورای نظار» پالیسی بی است تا هیچکسی به علت اساسی بحران ملی که همانا انحصار حاکمیت سیاسی است، متوجه نشود.

دوام انحصار سیاسی توسط «شورای نظار» صرفاً با اوج گرفتن تضاد های اجتماعی و نژادی متصور است؛ ولی نباید فراموش کرد که بقای چند ماهه و یا چند ساله «شورای نظار» مفهوم شکست ناپذیری آن

انسانی دیگران را برای شکستن در برابر خویش دارند. حال وقتی از طریق اتحادیه نویسنده گان، خبری پخش میشود که به حیثیت ملی، هویت سیاسی و اجتماعی و شخصیت مبارزه يك جامعه برای عدالت سیاسی و اجتماعی حمله میکند، هرگونه تردیدی را برای غیر جانبداران بودن فعالیتهاى اتحادیه گوشزد میکند. برادران دانشمند ما، به خوبی واقفند که آزادی و موقف ملی خویش را نباید به وسیله بی برای توجیه موضعگیری سیاسی اشخاص تبدیل کنند. اینکه کسی نظریات خویش را از طریق نشریه شما به نشر میرساند، کار خیلی ها خوب است و این امر ایمان و تعهد دانشمندان ارجمند جامعه را در برابر احترام به اندیشه ها بیان میدارد، ولی اینکه کسی موضعگیری سیاسی خویش را با خبر کمرشکن سیاسی برای يك جامعه دیگر توجیه مینماید، موقف اولی شمارا کاملاً تحت سوال می آورد. موقف اجتماعی جناب حضرت صفت الله مجددی و موقف ملی اتحادیه شما، دو مرجع احترام آمیز برای ماست که هیچکدام نمیتواند برای ما پخش این خبر را به مثابه سیاست عمدی بیان دارند، ولی امیدواریم که دوستان خبری را که در نشریه خویش به چاپ رسانیده اند، با درک از وارد شدن ضربه بر موضعگیری سیاسی و ملی ما، در شماره آینده خویش تصحیح نمایند. توقع ما از برادران اینست که به حسن نیت ما و احترام ما به شخصیت آگاهی بخش ملی شان باور داشته باشند و امید واریم که این حادثه سر آغاز پیوند صمیمانه فرهنگی ما تلقی گردد. دست هایتان را صمیمانه می فشاریم. (صفحه تو)

وضعیت مرگبار کنونی، تشنیت باورهای فرهنگی و انسانی، فقدان رسالت آگاهی بخش برای ایجاد باور های عدالت سیاسی و اجتماعی، بی ایمانی به اندیشه و فردا، معامله سیاسی و فقدان ستراتیژی واحد برای تأسیس حکومت مرکزی عادلانه سیاسی برای کشور، عواملی اند که زیربنای ناباورهای ملی و اجتماعی را در برابر دیگران به وجود می آورد. جنگ اجتماعی کنونی در وحشتناکترین بعد آن، آنچه را که دفن میکند، روحیه اعتماد اجتماعی و همبسته گی مغز های افشار ملت است.

باور ما اینست که اتحادیه های آزاد فرهنگی سنگر های مستحکم چون خود محورهای روشنفکری، محجر روابط اجتماعی و معنوی و بی باوری به نیت های

بیشتر از سه سال است که کابل مرکز تصادمهای اجتماعی خونین برای حفظ انحصار قدرت سیاسی بوده است که در عقب این یک تازی قدرت، مفکوره های خود بزرگ بینی اجتماعی، خطرناکترین اصل تیوریگی برای جنگ انحصاری تلقی میگردد. کابل به عنوان پایتخت يك ملت، شاهد حضور فزینی هر ملیت است. روشن است که پایتخت يك کشور، همانطور که سمبول وحدت سیاسی يك ملت است، سمبول وحدت اجتماعی آن ملت نیز محسوب میشود.

پایتخت به مثابه مرکزیت سیاسی، مرکز فعال افکار سیاسی يك ملت نیز تلقی میگردد. به همین علت است که پایتخت اکثر (یا تقریباً همیشه)، مرکز رشد جنبش هایی بوده است که باعث سازماندهی ایجاد اشکال جدید نظامهای سیاسی شده اند. انفجارات اجتماعی و سیاسی بی که بدون پشتوانه، تفکر باز پایتخت ها بوده اند، هیچگاهی نتوانسته اند به هدف خویش نایل شوند. این امر بدان مفهوم است که عصاره تفکر و سیاست يك ملت، میتواند از پایتخت سیاسی آن به دست آید.

در سه سال فاجعه خونبار اجتماعی در کابل، شاهد بوده ایم که کابل و گزارشات از وضعیت اجتماعی آن، مطلقاً منحصر به مناطقی از شهر بوده است که بیشتر مثل مدنیت و مرکزیت دیپلماتیک این شهر بوده اند. تا يك راکت و يك بمب در این مناطق فرود می آید، انعکاس آن در تمام مطبوعات جهان به ملاحظه میرسد. غرب کابل (که آنجا نیز کابل است و شهر است ولی فاقد مراکز دیپلماتیک است) بیش از صد ها بار تحت حملات هوایی و راکتی شدید قرار میگرفت، ولی انعکاس آن در رسانه های خبری اصلاً نبود و اگر بود آنقدر ضعیف بود که گویا آنجا نه کابل است و نه انسانهایی در آنجا زنده گی میکنند که در میان انفجار های متداوم بمب های پنجم کیلویی و راکتهای ارگان و موزایل و تانکهای غول پیکر... به خاکستر و پرزه تبدیل میشوند. به همین ترتیب برای شهادت ۳۸ تن مردمان بی گناه در مرکز شهر، حساسیت بین المللی را ناظر بودیم که تمام مراجع آن را محکوم کردند و قطع حملات نظامی را بر مردم بیگناه و شهر خواستار شدند؛ ولی چند روز بعد از آن «چهار آسیاب» پبارد میشود و یکصدویست نفر بیگناه به شهادت میرسند و تعداد زخمی های آن اصلاً به کسی معلوم نیست؛ که گویا انسان چهار آسیاب و غرب کابل و چهلستون و کارته... تو اصلاً انسان نبود هاندومرگ و تراژیدی نابودی شان، اصلاً نمیتواند کسی را متوجه خود سازد، تا چه رسد که شاهد حساسیت انسانی مجامع بین المللی باشیم. این تفاوت میان انعکاس حساسیت «حقوق بشر» در برابر خیانت به حیات دو جامعه و دو انسان و دو محیط، بیانگر ارزش تمدن و انسان متمدن در ذهن جوامع بین المللی است.

حاکمیت شورای نظار بر مناطق دیپلماتیک شهر، به «دولت اسلامی» مسمی میشود. این شورای سلاح به دستان دره پنجشیر که ادعای نظارت بر سیاست و حیثیت حقوقی و ملی يك ملت را دارد، صرفاً به خاطر گروگان داشتن همین مراکز است که با شهید شدن يك انسان در ماحول آن چهره انسانی به خود میدهد و برای دیگران چهره شادی تصویر میکند. ورنه از خدا میخواهد که انسانهای تحت گروگانگی کشته شوند تا این شورایی که به شرف و حیثیت اجتماعی يك ملت تعرض کرده است، صاحب شخصیت سیاسی شود. با بیرون کشیدن این شورای مسلح و بیسواد از مرکز شهر، شاهد خواهیم بود که «شورای نظار» نه دولت است، بلکه يك گروه آدمکش خواهد بود که دستش به خون جامعه هزاره و پشتون و ازبک ملت افغانستان سرخ است.

با درک از اهمیت تبلیغاتی و ارزش پایتخت نشین ها در ذهن جامعه بین المللی، میتوان به نقش آنها در شکلهای تغییر اوضاع سیاسی نیز پی برد؛ ولی با تأسف که باشندگان آن بخشی از کابل که در با اهمیت ترین

## از «وفا» توقع وفا...

و حد اقل برای تقویت روحیه ملی آنها در پایداری سیاست مستقلانه و ملی شان، دست یاری را دراز کنند.

برادران دانشمند و مغز های پر مسؤولیت ملت افغانستان، خیلی ها صادقانه برایتان مینویسیم که پخش همچون خبر را خیلی ها به مشکل میتوان فاقد موضعگیری سیاسی تلقی کرد. اگر شما برادران موضعگیری سیاسی دارید، خیلی ها صمیمانه برایتان خواهیم گفت که هیچ خصومتی در برابر تان نخواهیم داشت و با ایمان به رسالت فرهنگی در تاریخ سیاسی و اجتماعی يك ملت، کوله بار عدالتخواهی خویش را بازمه برای قضاوت آینده گان به میراث خواهیم گذاشت و بگذار که نسلهای بعدی، وقتی صاحب افغانستان بدون تبعیض و صاحب عدالت سیاسی شدند، نقش صادقانه و ارزش خون و محرومیت خلقها را در شکلهای عدالت سیاسی خویش به قضاوت گیرند. خیلی دوستانه برای تان خواهیم گفت که ما آنقدر شاهد خشم و ریختن خون خویش برای پیروزی سیاستهای انحصاری خود بزرگ بینی دیگران بوده ایم که اکنون وقتی کسی به عنوان دوست در جوار ما می آید، ناظریم که در پس رفتن خویش، چگونه با جفا در برابر جامعه ما برای تقویت هویت سیاسی و اجتماعی خویش در درون ملت افغانستان معامله سیاسی مینماید.



# در آینه هفته

از منابع بین المللی

۱۳۷۴/۹/۹

\* اصابت هفت راکت در مرکز شهر کابل حد اقل ۱۶ کشته و ۳۰ زخمی بر جای گذاشت. این راکتها که از جانب «طالبان» پرتاب شده اند، در نواحی مسجد پل خشتی و جاده های نادر پشتون و میوند تلفات بیشتر داشته اند. چهار روز قبل نیز در اثر بمباران مرکز شهر، ۳۹ نفر کشته و ۱۴۰ نفر زخمی شدند.

\* آقای پروجودی معاون وزارت خارجه، ایران پس ملاقات خود با استاد خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی، به مزارشرف برگشته و با مقامات جنبش ملی - اسلامی وارد مذاکره شده است.

\* روز گذشته مطبوعات بین المللی از قول آقایان هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور و علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه، جمهوری اسلامی خبر دادند که ایران میخواهد در هزاره جات میدان هوایی احداث کند. این اظهارات از سوی مبصرین، جنگ روانی ایران با حلفائش بین المللی و مداخله صریح در امور داخلی افغانستان خوانده شد.

۱۳۷۴/۹/۱۰

\* هزاران نفر دیگر از کارکنان بخش دولتی فرانسه به اعتصابات و تظاهرات یک هفته ای کارگران شبکه خطوط آهن و ترانسپورت در شهر های فرانسه پیوسته اند. تظاهرات عمومی بر علاوه شبکه خطوط آهن، دو شبکه فرودگاه پاریس و شبکه مخابرات و پست را نیز به حالت فلج در آورده است. این اعتصابات و تظاهرات در اعتراض به طرح دولت برای کاهش بودجه های بیمه ها و خدمات اجتماعی صورت می گیرد.

\* میدان هوایی خواجه رواس توسط هواپیماهای جنگی «طالبان» بمباران شد، از تلفات آن گزارش ترسیده است.

۱۳۷۴/۹/۱۱

\* جنگ میان نیروهای «طالبان» و حاکمیت فاشیستی در تپه های ریشخور و خیر آباد به شدت جریان دارد، اما از پیروزی یا شکست و همچنین تعداد تلفات طرفین خبری منتشر نگردیده است.

\* دولت پاکستان کمیته خیریه «مدیرا» را به اتهام همکاری با دولت کابل، دستور داده است که تا یازدهم دسامبر سال جاری، دفاتر خود را مسدود نماید. مدیرا یک موسسه غیر حکومتی فرانسوی است که در ولایات کنر، ننگرهار، لغمان و هزاره جات فعالیت دارد و ۸۰٪ کمک های آن را اتحادیه اروپایی فراهم میسازد.

\* وزیر صحت عامه ایران اعلام کرد که حد اقل ۱۰۰ نفر در اثر ابتلا به بیماری ایدز در ایران جان خود را از دست داده اند.

۱۳۷۴/۹/۱۲

\* شهر کابل بار دیگر هدف ۲۰ راکت قرار گرفت و طیارات حاکمیت فاشیستی نیز بازار چهار آسیاب را بمباران کردند. آمار دقیق تلفات این راکتباران و بمباران منتشر نشده است.

\* دولت ایران تصمیم گرفته است که برای نخستین بار در پنج سال اخیر، به نمایندگی سازمان ملل اجازه دهد که از وضع حقوق بشر در این کشور دیدن کند. مدافعان حقوق بشر از این تصمیم استقبال کرده و گفته اند که رفتن نماینده سازمان ملل باعث خواهد شد که دولت ایران وضع حقوق بشر را در آن کشور بهبود بخشد.

\* کابینه فرانسه در ختم یک جلسه خود اعلام کرد که برای کاستن از هرج و مرج ناشی از ادامه اعتصابات کارکنان قطار میترو و ترانسپورت، تسهیلات اضطراری در اختیار مسافران قرار خواهد داد، احتمال می رود که اعتصاب کارکنان دولتی، در همه بخش ها گسترش یابد تا کنون دولت توانسته است که صرف برای ۱۰۰۰۰۰۰ کارمند از جمله ۸۰۰۰۰۰۰ کارمند و سایل ترانسپورتی مهیا نماید.

۱۳۷۴/۹/۱۳

\* نیروهای حاکمیت فاشیستی قلعه شیرالله را که مشرف بر ولایت لوگر است، از تصرف «طالبان» خارج ساخته اند. در یک هفته اخیر «طالبان» با تحمل تلفات سنگین، مواضع زیادی را از دست داده اند.

\* آتش سوزی بزرگی در ارگ ریاست جمهوری کابل صورت گرفت که یکی از محلات تجمع نیروهای نظامی را منهدم ساخت. علت اصلی این آتش سوزی و تلفات ناشی از آن به درستی معلوم نیست. مقامات دولت فاشیستی این آتش سوزی را تصادفی خوانده اند.

۱۳۷۴/۹/۱۴

\* جنگ شدیدی میان دو قبیله خُدران در ولایت پکتیا، از دوروز به اینطرف جریان دارد. این جنگ که به خاطر بهره برداری از کوههای پکتیا که دارای درخت های کوهی فراوان میباشد، صورت گرفته، تا هنوز به شدت ادامه داشته و تلاشهایی از طرف جبهه های قومی برای آتش بس آن به راه افتیده است.

\* دولت فرانسه اعلام کرد که کشورش مجدداً به عضویت کمیته مهم رؤسای ستاد ارتش سازمان ناتو در می آید. با این تصمیم، فرانسه در حدود سی سال دوری اش از اقدامات نظامی ناتو را پایان خواهد داد.

\* حاکمیت فاشیستی به سازمان ملل پیشنهاد نمود که یک گروه تماس مشكل از نماینده سازمان کنفرانس اسلامی، نماینده جنبش عدم انسلاک، اتحادیه اروپا و کشورهای اسلامی یا محمود مستیری در مورد حل قضیه افغانستان همکاری کند.

۱۳۷۴/۹/۱۵

\* اعتصابات اتحادیه های کارگری در فرانسه وارد سومین روز خود شد. تا به حال نه دولت فرانسه و نه اتحادیه های کارگری، هیچکدام نرمشی از خود نشان نداده اند.

\* وزیر دفاع فرانسه اعلام کرد که آزمایشات هسته ای این کشور از ۸ آزمایش به ۶ آزمایش تقلیل یافته و قبل از موعد مقرر پایان خواهد یافت و پس از آن فرانسه آماده است که به پیمان منع آزمایشات هسته ای بپیوندد.

۱۳۷۴/۹/۱۸

\* تعدادی از دیپلماتهای پاکستان به شمول قاضی هماپون، وارد جلال آباد شدند تا سفارت آن کشور را موقتاً در این شهر افتتاح کنند.

\* کمیته صلیب سرخ کشورهای کمک کننده را متهم کرده است که برای حمایت از سازمانهای امداد در افغانستان قابل اساسی و انگیزه جدی نشان نیندهند. این کمیته میزان مرگ و میر در میان کودکان افغانستان را از همه کشورهای جهان بیشتر و میزان طول عمر را از همه جا کمتر اعلام کرده است. ●

## حاکمیت فاشیستی از بازگشایی سفارت پاکستان در جلال آباد دچار سراسیمه گی گردیده است

\* در جلسه «شورای عالی دولت» فاشیستی، این اقدام، تلاش تازه پاکستان برای سقوط دادن رژیم خوانده شد.

### احتمال می رود که پاکستان حکومت موازی با حکومت کابل ایجاد کند.

\* هیات هایی توفیق گردیدند که اعتراض این حاکمیت را به مجامع بین المللی برسانند.

تلاش آن در خصومت با اداره کابل خوانده، هیاتی را توفیق نمودند که از طریق مجامع بین المللی دولت پاکستان را تحت فشار گیرند تا از این اقدام جلوگیری نماید.

لازم به یاد آوری است که سفارت پاکستان در کابل، چند ما قبل توسط هواداران حاکمیت فاشیستی مورد حمله قرار گرفته و به آتش کشیده شد. در حادثه مذکور بر علاوه آنکه تمام اجناس و وسایل سفارت غارت شد، قاضی هماپون، سفیر پاکستان به شدت زخمی و یک تن از کارمندان سفارت به قتل رسیدند. ●

خبر نگار شهری «صفحه نو» به نقل از منابع نزدیک به حاکمیت فاشیستی گزارش میدهد که روز یکشنبه ۷۴/۹/۱۹، اعضای شورای عالی دولت فاشیستی در ارگ ریاست جمهوری تشکیل جلسه داده و طی آن بازگشایی سفارت پاکستان در جلال آباد را تلاش تازه پاکستان برای ساقط ساختن رژیم فاشیستی خواندند.

طبق این گزارش، در جلسه همچنین تحلیل هایی صورت گرفت که پاکستان را متهم به ساختن حکومت موازی با حکومت کابل در جلال آباد می ساخت. اعضای جلسه، این اقدام پاکستان را جدی ترین

### در جلسه سران تشیع دریاری

## تلاشهای ایران در نزدیکی با حزب وحدت اسلامی نگران کننده ارزیابی شد

\* هیاتش برای آگاهی از نظریات جمهوری اسلامی، به سفارت آن کشور در کابل فرستاده شد.

### ایران صرفاً میخواهد از هماهنگی جبهه مخالفین دولت کابل جلوگیری کند.

خبر نگار ما به نقل از منبع مذکور می افزاید که سفیر ایران در پاسخ به نگرانی های سران تشیع دریاری، به آنها اطمینان داده است که تلاشهای اخیر ایران صرفاً تضعیف جبهه مخالفین دولت کنونی و جلوگیری از عملیات هماهنگ آنها بوده و ایران به هیچ صورت به سیاستی اقدام نخواهد کرد که مخالف دولت کنونی باشد. سفیر ایران همچنین گفته است که کشور متبوعش تلاش دارد مخالفین دولت را در همسویی با آن تشویق نماید. ●

خبر نگار «صفحه نو» به نقل از یک منبع نزدیک به تشیع دریاری در کابل گزارش میدهد که سفر آقای پروجودی، معاون وزارت خارجه، ایران به بامیان و دیدارش با هیات رهبری حزب وحدت اسلامی، سران تشیع در باری را بار دیگر دچار نگرانی ساخته و آن را نشانه تغییر سیاست جمهوری اسلامی در قبال قضایای افغانستان تلقی کرده اند.

طبق این گزارش در فرودای سفر پروجودی به بامیان، آقایان اکبری، سیدفاضل، سیدعالمی، سیدکاظمی و سیدهاشمی لولنجی در یک جلسه خصوصی تصمیم گرفتند که اهداف جمهوری اسلامی را از تغییر سیاست آن در مورد حزب وحدت جویا شوند و اگر احیاناً این کار ناشی از پیروزی حلفائش مخالف با تشیع دریاری در سیاست خارجی ایران باشد، از پیشرفت آن جلوگیری کنند. در همین جلسه آقایان سیدفاضل و سیدلولنجی موظف شدند تا با سفیر ایران در کابل دیدار نموده و نظریات جمهوری اسلامی را در قبال این تغییر سیاست درک کنند.

### یکی از شهروندان کابل در مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو»:

## جنگ و گرسنگی، دو پنجه مرگ برای مردم کابل اند

\* تنها مواد سوختی کابل، بمب و راکت طرفین جنگ است.

• در جنگ های کنونی آنچه که در ذهن هیچکس نیست، سرنوشت مردم است.

### انسان در کابل، برای هیچکس وحشت نمی آفریند.

\* آیا سقوط کابل، برای ما نوید زنده ماندن در زمستان را خواهد داد؟

درد آنها را دوچند میسازد. وی با اشاره به قسمتی و قحطی مواد غذایی و سوختی گفت: تنها خوراک و مواد سوختی ما، بمب و راکت طرفین جنگ است که بی پروا بر سر ما می ریزند و آنچه که در ذهن هیچکدام از طرفین جنگ وجود ندارد، اعتنا به سرنوشت مردم است. وی در قسمتی از صحبت های خود مرگ را یک پدیده عادی در شهر کابل قلمداد کرده گفت: اکنون مرگ انسان در کابل، برای هیچکس وحشت نمی آفریند و مردم از خود می پرسند که آیا سقوط کابل برای ما نوید زنده ماندن در زمستان را خواهد داد؟ ●

یکی از شهروندان کابل طی مصاحبه با خبرنگار شهری «صفحه نو» زمستان آینده را وحشتناکترین زمستان تاریخ کشور خوانده گفت: در این زمستان خطر جنگ و گرسنگی به عنوان دو پنجه مرگ بر سر مردم ایستاده است و کمتر کسی است که از زنده ماندن خود در میان این پنجه ها امیدوار باشد. او گفت: کسانی که فعلاً در کابل زنده گی می کنند، مجبورترین و بی پناه ترین مردمان این شهر اند که بیرون شدن از کابل نیز

### احمد شاه مسعود خطاب به قوماندانان خود در وزارت دفاع:

## اگر «طالبان» بخواهند وارد کابل شوند، باید در بدل هر گام یک کشته بگذارند

\* اگر پاکستان دست از مداخله بر ندارد، هند فشار خود را از طریق کشمیر افزایش خواهد داد.

\* ایران نیز مصمم است که در صورت وخیم شدن اوضاع، برای پاکستان مشکل خلق کند.

موفقانه که ملا مشر، مشهور ترین قوماندان «طالبان»، کشته شد، روحیه «طالبان» کاملاً در هم شکسته و قادر به تحرك جدی تا خیلی زمانهای دیگر نخواهند بود. طبق این خبر، احمدشاه مسعود به قوماندانان خود اطمینان داد که جنگ با «طالبان» تا آخرین مرمی ادامه خواهد یافت و در صورت مشاهده کوچکترین تحرك، به قطعات دستور داده شده که مراکز تجمع آنها را با تمام امکانات بکوبند تا روحیه پیشروی در افراد آنها از بین برود. وی از پشتیبانی روسیه، هند و ایران اظهار اطمینان نموده گفت: جنگ به هر شدتی که جریان پیدا کند، مهمات و امکانات آن در اختیار ما قرار می گیرد و در صورت وخیم شدن اوضاع، هند از طریق کشمیر پاکستان را تحت فشار بیشتر خواهد گرفت و ایران هم در ساعات مرزی برای پاکستان مشکل ایجاد خواهد نمود. وی در اخیر بیانات خود تلاشهای اخیر دستگاهش به کمک جمهوری اسلامی ایران را در امر تضعیف جبهه مخالفین دولت امید بخش توصیف کرده گفت: تا زمانیکه امکان داشته باشد، از عملیات هماهنگ مخالفین جلوگیری خواهد شد ●

روز دوشنبه ۱۳۷۴/۹/۱۲ احمدشاه مسعود طی دیداری با قوماندانان خطوط اول جبهه، خود در تالار وزارت دفاع، از مستحکم بودن پایه های داخلی و خارجی حاکمیتش اظهار اطمینان نموده، گفت اگر «طالبان» بخواهند وارد کابل شوند، باید در بدل هر گام یک کشته بگذارند. او علاوه کرد که آمار بدست آمده نشان میدهد که «طالبان» پس از شکست در غرب کابل، مجموعاً هفت هزار و هفتصد نفر کشته و زخمی داده اند. او گفت اکثر این کشته ها در غرب کابل، چهار آسیاب، میدان شهر، حوزه جنوب غرب و پلچرخ بوده و تنها در یک شب حمله بر ارغندی که ماه گذشته صورت گرفت، دوصد نفر کشته دادند.

خبر نگار شهری «صفحه نو» به نقل از یک منبع نزدیک به وزارت دفاع حاکمیت فاشیستی گزارش میدهد که در همین جلسه احمد شاه مسعود موفقیت نیروهای ذخیره اش را در ساحات پلچرخ و بت خاک مورد ستایش قرار داده، گفت: در جریان این ضد حمله،